[صد و بیست و هشت]

> در اصل توسط **Hosein-** نوشته شده است
>
> **بدن را نفهمد فکر می کند ساختن یک ربات می تواند ارائه مثلی برای بدن باشد.**

وقتی کسی بگوید مثل بدن بیاوری، یعنی همین بدنی که همگی آن را میشناسیم، اصلا نیازی نیست بگوییم از چه جهت مثل آن بیاوری، بلی وقتی کسی رباتی آورد و ادعا کرد که این مثل بدن است تازه اختصاصات و امتیازات و جنبههای بغرنج تفاوت بدن با یک ربات، خود را نمایان میکند، پس تا مثل نیامده، همین بس است که بگوییم مثلش بیاوری، و وقتی ادعا شد که مثل آن آمده، سراغ حیثیات تفاوت میرویم تا نشان دهیم که مثل او نیست، مثلا میگوییم بدن زمینه تولید مثل دارد و خودش سلول تناسل طبق پیچیدهتریی ضوابط ژنتیک، تولید میکند، یا میگوییم بدن خواب میرود و رؤیای صادقه میبیند و چه آثار غیبی دارد، و...

ولی نکته ظریفی که اینجا هست و نظریه صرف را توضیح میدهد اینکه گاهی کسی که تحدی کرده مثل بدن بیاوری میبیند که میخواهند یک ربات درست کنند و شرائط به گونهای است که علم و عقل جمعی حاضری نمیتواند تفاوت بدن را با آن ربات تشخیص دهد، اینجا از قدرت نفوذ خود استفاده میکند و نمیگذارد پروژه آنها به فرجام برسد، و این نه به خاطر این است که واقعا ربات، مثل بدن است و فقط او با رانت میخواهد پروژه آنها را تعطیل کند، بلکه به خاطر این است که عقل جمعی حاضری قدرت فهم تفاوت بدن با ربات را ندارد.

ملاحظه کنید چقدر این تقریر از نظریه صرفه، تفاوت میکند با تقریر رایج که بگوییم هر چند آوردن مثل قرآن از حیث بلاغت و.. ممکن است ولی خداوند از قدرت خود استفاده میکند و نمیگذارد تحدی او شکست بخورد، در تقریری که عرض کردم، چون تحدی به هویت قرآن است پس واقعا آوردن مثل آن محال است، و فقط وقتی که ناظرین عاجز از فهم تفاوت هستند، خداوند برای حفظ آنها از گمراهی، از قدرت خود برای توقف پروژه مثل آوردن وهمی، جلوگیری میکند.

و لازم به ذکر نیست که مقصود از تحدی و آوردن مثل، صرف ادعای پروژه ابتر نیست، آیا خندهدار نیست عبارت کتاب نقد اعجاز قرآن که تازه منتشر شده و میگوید مثلا فرقان الحق را در این چند سال اخیر مثل قرآن آوردند! چندین سال قبل که فرقان الحق را دیدم شک نداشتم که خود نویسنده هم چند سال بعد حال ندارد بخواند، کجا اینجا نیاز است که خداوند طبق نظریه صرف اقدام کند؟! مثل قرآن باید پتانسیل حضور میدانی اجتماعی تاریخی خود را مثل قرآن نشان دهد، چقدر زندیق در طول تاریخ در بین فارسی زبانان بوده است، مگر قرآن زبان عربی نیست، آیا یک کتاب زیبای فارسی بیشتر میتواند در بین فارسی زبانان نفوذ داشته باشد یا یک کتاب عربی؟ آیا هیچ زندیق فارسی زبان، رقابت با این کتاب عربی کرده تا هم زبانیهای خود را از قرآن جدا کند؟ زندیق به کنار، آیا مگر در زبان فارسی، مثل گلستان و بوستان و دیوان حافظ و مثنوی، در

اوج زیبایی نیستند هم از حیث محتوی و هم از حیث زبان؟ آیا قرآن فراموش شده است؟ آیا با تلاش‌هایی که خود تلاش کنندگان می‌دانند چه می‌گویم، توانستند یکی از این کتب اوج ادبی را در بین هم زبانی‌های خود رقیب قرآن کنند؟ خداوند غیر حکیمانه از قدرت خود استفاده نمی‌کند.

بازبینی #1
ایجاد شده 13 آوریل 2025 16:31:20 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 آوریل 2025 16:31:36 توسط ... .